

وضعیت اقتصادی زنان در جمهوری ترکیه

(طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۴)

بهاره نصیری*

مریم‌السادات هاشمی فشارکی**، زهرا خیری دوست لنگرودی***

چکیده

با توجه به وجود نابرابری جنسیتی در بازار کار، که در اغلب جوامع با سطوح گوناگون از توسعه اقتصادی وجود دارد، توجه به وضعیت اشتغال زنان و هدایت آنان به بازار کار مناسب، می‌تواند زمینه بهره‌مندی بهتر جامعه از این نیروی بالقوه را فراهم کند. مقاله حاضر، برگرفته از طرح تحقیقاتی با عنوان «درآمدی بر وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان در جمهوری ترکیه طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ میلادی» است که به پیشنهاد سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، توسط گروه بررسی مسائل زنان پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و با هدف شناسایی چگونگی وضعیت زنان در جمهوری ترکیه، به عنوان یکی از کشورهای هم‌جوار با ایران و همچنین با توجه به نبود منابع اطلاعاتی معتبر و روزآمد نبودن آمارهای موجود پیرامون «وضعیت زنان در جمهوری ترکیه» در ایران، در سال ۱۳۹۰ انجام گرفته است.^۱

مقاله حاضر با هدف تبیین و تحلیل وضعیت اقتصادی زنان در جمهوری ترکیه

* استادیار گروه مطالعات زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)
bn.nasiri@gmail.com

** کارشناس ارشد مطالعات زنان و کارشناس پژوهشی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
mhfesharaki@yahoo.com

*** کارشناس ارشد علوم اقتصادی و کارشناس پژوهشی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
Z_kh63@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۹/۲۶

تدوین شده است. روش مورد استفاده در این بررسی از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و اطلاعات جامعه مورد مطالعه (آمار و ارقام در خصوص وضعیت اقتصادی زنان در کشور ترکیه) به شیوه اسنادی - کتابخانه‌ای جمع‌آوری و گردآوری گردیده است. داده‌های مورد نیاز در این پژوهش، از نتایج آخرین سرشماری سازمان آمار و اطلاعات ترکیه، سالنامه‌های آماری، مرکز آمار و اطلاعات، مؤسسات آموزش عالی و همچنین، انیستیتیوی آمار ترکیه در مقطع زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ میلادی استخراج شده است.

یافته‌ها نشان می‌دهد به‌رغم آنکه مطالعات جهانی مربوط به نقش زنان در توسعه اقتصادی حاکی از ورود زنان به شکل بی‌سابقه‌ای به بازار جهانی کار است، میزان مشارکت زنان در ترکیه در فعالیتهای اقتصادی کمتر از مردان بوده و میزان بیکاری زنان دارای تحصیلات عالی رو به افزایش گذاشته است.

این پژوهش، پس از مروری بر مبانی نظری بازار کار زنان، به بررسی و تحلیل چگونگی وضعیت اقتصادی، ساختار اشتغال زنان و فقر در ترکیه پرداخته است. در نهایت، پس از تحلیل نتایج، پیشنهادهایی ارائه گردیده است.

کلیدواژه‌ها: ترکیه، اشتغال، جنسیت، زن، اقتصاد، فقر.

۱. مقدمه

۱.۱ طرح مسئله

یکی از عرصه‌های تحول زندگی اجتماعی در عصر جدید، تغییرات در زندگی زنان است. این تغییرات دامنه وسیعی را از تغییر باورها و انگاره‌های اجتماعی درباره زنان تا تغییر نقش‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی آنان دربرمی‌گیرد. پدیده اشتغال زنان را از ضرورت‌های جامعه مدرن دانسته‌اند. بدیهی است در عصر حاضر، نقش زنان و توانمندی آنان در عرصه تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و مدیریتی از اهمیت خاصی برخوردار است.

با توجه به اینکه کشور ترکیه تلاش‌های گسترده‌ای را در جهت عضویت در اتحادیه اروپا دنبال می‌کند و تلاش دارد به قدرتی اقتصادی در منطقه تبدیل گردد، توجه به وضعیت اقتصادی این کشور بسیار حایز اهمیت است. ترکیه به لحاظ اقتصادی از رتبه بیستم در سال ۲۰۰۱ به رتبه شانزدهم در سال ۲۰۱۱ در سطح جهانی ارتقا یافته است. همچنین، این کشور در سال ۲۰۱۱ پس از آلمان بالاترین رشد اقتصادی در اروپا را تجربه کرده است. همچنین،

چشم‌انداز ترکیه تا برگزاری صدمین جشن سالگرد جمهوری ترکیه در سال ۲۰۲۳ آن است که بتواند به یکی از ده اقتصاد برتر دنیا تبدیل گردد. اشتغال زنان، در میان این تحولات، اهمیت و نقش ویژه‌ای دارد. یکی از وجوه اهمیت موضوع اشتغال زنان، تأثیرات عینی و مشهود آنان در عرصه اجتماعی از یک سو و عرصه‌های فردی از سوی دیگر است. این ویژگی مهم موجب شده است اشتغال زنان به مقوله‌ای تبدیل گردد که در کشور ترکیه دارای ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی است.

۲.۱ اهمیت و ضرورت تحقیق

در سراسر تاریخ، همواره با زنانی مواجه می‌شویم که ضرورت‌های اقتصادی و اجتماعی، آنان را به تکاپوی اقتصادی و اشتغال کشانیده است. تفاوت سده اخیر با اعصار گذشته در این است که دگرگونی‌های ساختاری در حوزه اقتصاد که به کاهش قدرت خرید و تغییر الگوی مصرف انجامید، ضرورت اشتغال زنان را بیش از گذشته مطرح ساخت. افزون بر این، دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی، اشتغال را از «نیاز اقتصادی» برای بخشی از زنان به «مطلبه» بسیاری از آنان تبدیل کرد. اکنون، اشتغال زنان هم در ادبیات توسعه و هم در علوم اجتماعی یکی از موضوعات پر دامنه است. تأثیر بهره‌گیری از نیروی کار زنان در توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و مشارکت اقتصادی زنان به مثابه شاخص توسعه‌یافتگی در ادبیات توسعه کانون بحث قرار می‌گیرد؛ چنان‌که در علم جامعه‌شناسی تأثیر متقابل اشتغال زنان و هویت جنسیتی، الگوی تفکیک نقش‌ها، ساختار خانواده و سبک‌های زندگی به بحث گذاشته می‌شود. موضوع اشتغال زنان در جمهوری ترکیه به لحاظ تأثیر آن بر الگوی تولید، توزیع و مصرف خانوار و همچنین، تأثیر آن بر اقتصاد ملی و جهانی می‌تواند حایز اهمیت باشد. از آنجا که این کشور در تلاش برای پیوستن به اتحادیه اروپاست، اهمیت و حساسیت این موضوع را برای این کشور دوچندان می‌نماید.

۳.۱ روش تحقیق

این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و با استفاده از روش اسنادی - کتابخانه‌ای صورت گرفته است. اطلاعات جامعه مورد مطالعه (آمار و ارقام در خصوص وضعیت اقتصادی زنان در کشور ترکیه) با تکنیک فیش‌برداری جمع‌آوری گردیده است. داده‌های مورد نیاز در این پژوهش، از نتایج آخرین سرشماری سازمان آمار و اطلاعات ترکیه،

سالنامه‌های آماری، مرکز آمار و اطلاعات، مؤسسات آموزش عالی و همچنین، انیستیتوی آمار ترکیه در مقطع زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ میلادی استخراج شده است.

۴.۱ سؤالات تحقیق

۱.۴.۱ سؤال اصلی

وضعیت اقتصادی زنان در جمهوری ترکیه چگونه است؟

۲.۴.۱ سؤالات فرعی

۱. پراکندگی افراد در شاخه‌های گوناگون اقتصادی ترکیه با توجه به جنسیت طی سال‌های (۲۰۰۴-۲۰۱۰) میلادی چگونه است؟
۲. میزان اشتغال زنان، طی سال‌های (۲۰۰۴-۲۰۱۰) میلادی در ترکیه چگونه است؟
۳. میزان بیکاری زنان طی سال‌های (۲۰۰۴-۲۰۱۰) میلادی در ترکیه چگونه است؟
۴. وضعیت تحصیلی زنان غیر شاغل طی سال‌های (۲۰۰۴-۲۰۱۰) میلادی در ترکیه چگونه است؟
۵. دلایل عدم اشتغال زنان طی سال‌های (۲۰۰۴-۲۰۱۰) میلادی در ترکیه چگونه است؟

۲. مروری بر نظریه‌های اقتصادی حاکم بر بازار کار زنان

دنیای امروز به دلیل تنوع جهان‌بینی‌های متفکران اقتصادی، سیاست‌های اقتصادی گوناگونی دارد. تأثیر جهان‌بینی و دیدگاه‌ها در معرفی پدیده‌های اقتصادی امری کاملاً محسوس است. علم اقتصاد در بررسی پدیده‌ها روش شناسایی منحصر به فردی دارد که زیربنای آن با علوم طبیعی متفاوت است. بازار کار مانند بسیاری از مسائل حوزه علوم انسانی، به دلیل ارتباط با انسان، پیچیدگی‌های فراوانی دارد. اگرچه در بحث نیروی کار زنان، تفکیک دو جنس برای ورود به بازار کار مسائل متفاوتی را دامن می‌زند، به نظر می‌رسد در خصوص نیروی کار زنان به دلیل اهتمام به ترجیح‌های بنگاه و مطرح شدن بحث انگیزه کارفرما، مطالعه دشوارتر شده و نمی‌توان نتیجه را به روشنی در قالب یک نظریه اقتصادی ارائه کرد. هدف از ارائه مبانی نظری دیدگاه‌های ناظر بر بازار کار زنان، معرفی رویکردهای متفاوت به بحث ساختار اشتغال بانوان و بررسی هر یک با در نظر گرفتن قوت‌ها و ضعف‌های دیدگاه‌های مختلف است.

۱.۲ رویکردهای نئوکلاسیک (Neoclassical Approaches)

نظریه نئوکلاسیک، برای تشریح تفاوت‌های جنسیتی و اینکه چرا درآمد حاصل از کار زنان کمتر از مردان است، به متغیرهایی همچون مسئولیت خانوادگی، نیروی جسمانی، آموزش عمومی، آموزش فنی، ساعت‌های کار، غیبت از کار، جابه‌جایی در کار و چگونگی تأثیر این متغیرها در بهره‌وری نیروی کار و عرضه آن می‌پردازد. بر اساس این نظریه، زنان در مقایسه با مردان سرمایه انسانی کمتری دارند و تخصیص بهینه منابع ایجاب می‌کند که زنان به کار در منزل و مردان به کار در بازار بپردازند. بنابراین، یکی از دلایل پایین بودن میزان مشارکت زنان در بازار کار، پایین بودن سرمایه انسانی و بهره‌وری آنان در فعالیت‌های اقتصادی است. همچنین، استدلال می‌کنند که برخی زنان برای ازدواج، بارداری و پرورش کودکان شغل خود را ترک می‌کنند؛ در نتیجه، کارفرمایان به سرمایه‌گذاری در امر افزایش مهارت آنان تمایل چندانی ندارند. به همین دلیل، زنان اغلب در شغل‌های ساده که نیاز به آموزش ندارند، مشغول فعالیت می‌شوند و غالباً مردان در شغل‌های تخصصی که نیازمند آموزش‌های حرفه‌ای هستند، اشتغال می‌یابند. نتیجه چنین فرایندی، تجربه کمتر زنان در مقایسه با مردان و فرسایش شدید مهارت‌های آنان است (امینی، ۱۳۸۳: ۱۳۴). در این مدل، عرضه نیروی کار زنان با دو جایگزین فراغت و کار خانگی مواجه است، درحالی‌که عرضه نیروی کار مردان تنها فراغت را در کنار خود دارد؛ بنابراین، تقاضای فراغت زنان باکشش‌تر از فراغت مردان است و افزایش مشارکت زنان به قیمت کاهش اوقات فراغت و رفاه آنها صورت می‌گیرد (شیبانی و افشاری، ۱۳۸۰؛ به نقل از Cowan, 1983 and Hartman, 1981)

۲.۲ رویکرد غیر کلاسیک

این مدل عامل اساسی وضع نامطلوب زنان را در نظام اقتصادی، موقعیت پایین آنها در نظام اجتماعی و فرهنگی می‌داند و سلطه مردان و تبعیت زنان را ویژگی پایدار تمامی جوامع می‌پندارد و تقسیم کار بر اساس جنسیت را حاصل مردسالاری می‌داند (شیبانی و افشاری، ۱۳۸۰: ۳۹).

۳.۲ رویکرد رادیکال (نظریه تفکیک بازار کار) (Radical Approach)

نظریه رادیکال ساختار متفاوت کار زنان و مردان را به نظام سرمایه‌داری مرتبط می‌داند. این

نظریه اقتصاد را به دو بخش اولیه و ثانویه تقسیم می‌کند. مشاغلی که در بخش نخست قرار می‌گیرد، با هدف به حداکثر رساندن ظرفیت کار عمل می‌کنند؛ به همین دلیل، در این مشاغل استخدام نیروی کار ماهر و پایدار در درجه اول اهمیت قرار دارد (همان) این بخش (نیروی کار ماهر و پایدار) از لحاظ پرداخت مزد و تأمین اجتماعی از وضعیت بهتری برخوردار است و کمتر تحت تأثیر نوسانات اقتصادی قرار می‌گیرد؛ در حالی که مشاغل گروه دوم بیشتر تحت تأثیر نوسانات اقتصادی است. جابه‌جایی در کار زنان احتمال جذب آنها به مشاغل گروه دوم را بیشتر می‌کند، از این رو آنان آسیب‌پذیرترند.

۴.۲ رویکرد سرمایه انسان (The Human Capital Approach)

این رویکرد توزیع متفاوت زنان و مردان را در ساختار اشتغال ناشی از تفاوت در سرمایه انسانی آنها می‌داند (شیبانی و افشاری، ۱۳۸۰: ۴۱) که در واقع، مربوط به قبل از ورود به بازار کار است. نکته اصلی رویکرد سرمایه انسانی به فقدان جایگزینی کامل مردان و زنان در بازار کار بازمی‌گردد. اگرچه ممکن است گروه‌بندی‌های هوشی و سطوح تحصیلات زنان و مردان مشابه باشد، بانوان سرمایه انسانی کمتری از تجربه‌های کاری کسب می‌کنند. این فرایند به این دلیل است که ایشان در مقایسه با مردان، سال‌های کمتری را در نیروی کار صرف می‌کنند. از این روی، تفاوت‌های تولیدی بین زنان و مردان ظاهر می‌گردد و کیفیت کار این دو گروه متفاوت ارزیابی می‌شود و تفاوت‌های پرداختی منعکس‌کننده کیفیت کار زنان و مردان است (Baumol, 1965: 185). به علاوه، نقش زن در جایگاه مادر و همسر بر کارایی او از طریق تحصیل سرمایه انسانی اثر گذاشته است. همچنین، اگر زن مسئولیت نخست خود را خانواده بداند، کمتر متعهد به کار می‌شود؛ لذا، به کار نیمه‌وقت، مرخصی و ترک داوطلبانه شغل گرایش دارد. در نتیجه به سمت مشاغلی روی می‌آورد که قدرت انطباق آنها با الگوهای رفتاری و ویژگی‌های زنانۀ وی بیشتر باشد (شیبانی و افشاری، ۱۳۸۰ به نقل از Blau, 1998). بنابراین، زنان مشاغلی را انتخاب می‌کنند که در دوره نبود مشارکت (بارداری، مراقبت از فرزند و ...) امکان از دست دادن آنها کمتر باشد و مهارت‌های کسب‌شده آنها در این دوران کمتر مستهلک گردد (شیبانی و افشاری، ۱۳۸۰: ۵ به نقل از Blanchard, 1998).

در تحلیل بازار کار، هر یک از رویکردهای بالا قادر به پاسخگویی بخشی از تفاوت‌های موجود در میان زنان و مردان است. در این پژوهش، وضعیت اشتغال و بیکاری زنان از

جنبه‌های گوناگونی چون وضعیت تأهل، شاخه فعالیت اقتصادی، وضعیت تحصیلی و زندگی در مناطق شهری و روستایی مورد بررسی قرار گرفته و هر یک از این جنبه‌ها به فراخور موضوع با توجه به رویکردهای بالا، تحلیل شده است.

۳. چیستی اشتغال

نخست لازم است میان مفهوم «اشتغال» در حوزه اقتصاد و مفهوم «کار» یا «فعالیت» تمایز نهاد. اشتغال به فعالیتی می‌گویند که به منظور تهیه و تولید کالا و خدمات اقتصادی انجام می‌شود (علویون، ۱۳۸۱: ۱۹)، درحالی‌که کار معنایی عام دارد و هر فعالیتی را دربرمی‌گیرد. اما در عصر صنعتی، با شکل جدیدی از اشتغال روبه‌رو هستیم که سه ویژگی دارد: انجام فعالیت در زمان مشخص و منظم؛ دریافت مزد در قبال ساعات کار؛ و وجود فاصله میان محل کار و محل زندگی که گاه از آن به فاصله گرفتن مصرف از تولید تعبیر می‌شود (ابوت و والاس، ۱۳۸۰: ۱۱۶). به‌کارگیری واژه اشتغال این نتیجه را در پی داشته‌است که فعالیت‌های بدون دستمزد، از جمله در خانه‌داری، کارگاه‌های خانگی بدون دستمزد و امور خیریه، گرچه آثار اقتصادی شگرفی به همراه داشته‌اند، نادیده گرفته می‌شوند و زنان خانه‌دار در زمره غیر فعالان جای می‌گیرند (گیدنز، ۱۳۷۳: ۱۹۶).

۴. مشارکت زنان ترکیه در فعالیت‌های اقتصادی

اشتغال زنان، کلید استقلال اقتصادی در هر کشور و برابری بیشتر زنان و مردان در جامعه است؛ به طوری که یکی از پیش‌نیازهای اصلی برای دستیابی به اهداف اشتغال کامل، رشد اقتصادی پایدار و توسعه اجتماعی، فراهم کردن فرصت‌های شغلی برای زنان در جامعه است که به بهره‌گیری از توانمندی‌ها، پتانسیل اجتماعی، روانی و اقتصادی زنان در جامعه و عرصه حوزه عمومی کار منجر می‌شود.

در گذشته، تبعیض حقوقی در مشارکت زنان به عنوان نیروی کار وجود داشته است و این موضوع به عنوان یک مانع به ترک بسیاری از زنان شاغل از موقعیت شغلی خود و استفاده نکردن از توانایی‌ها و مهارت‌های آنان در فعالیت‌های اقتصادی منجر می‌شد، اما با توجه به سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولت در دهه‌های اخیر، این موضوع تا حدی مورد توجه قرار گرفته‌است؛ به طوری که در برنامه نهم توسعه (۲۰۱۳-۲۰۰۷)، کشور ترکیه

جهت افزایش میزان مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی و تسهیل دسترسی زنان به بازار کار، ارتقای سطح آموزش در میان زنان را در دستور کار قرار داده است.

۵. جدولهای مربوط به اشتغال زنان ترکیه^۲

در جدول شماره ۱، بر اساس نظریه رادیکال (تفکیک بازار کار) که نظریه سرمایه اجتماعی نیز بر آن تأکید دارد، کارفرما به استخدام زنان مطلقه، بیوه یا مجرد نسبت به زنان متأهل تمایل بیشتری دارد. ضمن آنکه زنان متأهل ترکیه به علت داشتن مسئولیت انجام کارهای خانه و مراقبت از فرزندان کمتر به اشتغال در خارج از منزل تمایل نشان می‌دهند. علاوه بر آن، درحالی که زنان متأهل از پشتیبانی مالی همسران خود برخوردارند، زنان مطلقه یا بیوه بیشتر به داشتن منبع مالی نیازمندند. بنابراین، مشاهده می‌شود که در کل سالهای مورد بررسی، درصد بیشتر زنان شاغل بیوه یا مطلقه بوده‌اند و بعد از آن، زنان مجرد بیشترین درصد شاغلان را دربرمی‌گیرند. این در حالی است که در میان مردان، شاغلان متأهل بالاترین سهم را در میان کل شاغلان مرد دارا بوده‌اند.

با توجه به جدول شماره ۲، درحالی که تقریباً ۴۰ درصد از زنان شاغل ترکیه به فعالیتهای کشاورزی، جنگل‌داری و ماهی‌گیری مشغول هستند، حدود ۱۸ درصد از مردان در این بخش مشغول‌اند؛ ضمن آنکه ۱۰٪ از زنان و ۱۸٪ از مردان در فعالیتهای عمده‌فروشی و خرده‌فروشی اشتغال دارند. همچنین، فعالیت مردان در جایگاه متخصصان علمی - تکنیکی نیز قابل توجه است و حدود ۱۷٪ از مردان را شامل می‌شود. پس، می‌توان نتیجه گرفت که حدود ۶۰ درصد از زنان و بیش از ۷۰٪ مردان در فعالیتهای یادشده مشغول هستند.

جدول ۱. میزان اشتغال براساس وضعیت تأهل در بالای ۱۵ سال طی سالهای ۲۰۰۴-۲۰۱۰ در ترکیه

	سال	مجرد	متأهل	مطلقه و بیوه
زنان	۲۰۰۴	۲۶/۰	۲۰/۵	۴۰/۶
	۲۰۰۵	۲۶/۷	۲۰/۰	۴۲/۵
	۲۰۰۶	۲۷/۵	۲۰/۲	۴۱/۲
	۲۰۰۷	۲۷/۶	۲۰/۳	۴۰/۶
	۲۰۰۸	۲۸/۲	۲۰/۹	۴۲/۴
	۲۰۰۹	۲۷/۶	۲۲/۱	۴۲/۶
	۲۰۱۰	۲۸/۳	۲۴/۲	۴۶/۱

مردان	۲۰۰۴	۴۴/۰	۷۱/۹	۸۱/۴
	۲۰۰۵	۴۵/۹	۷۱/۷	۷۶/۲
	۲۰۰۶	۴۶/۲	۷۱/۲	۷۱/۷
	۲۰۰۷	۴۶/۶	۷۰/۶	۷۵/۱
	۲۰۰۸	۴۶/۸	۷۰/۳	۷۳/۶
	۲۰۰۹	۴۴/۸	۶۸/۷	۷۱/۷
	۲۰۱۰	۴۷/۰	۷۰/۷	۷۵/۹

(Women in Statistics, 2010:59)

در واقع، در بیش از ۸۰٪ از مشاغل، در املاک، ادارات دولتی، صنعت، هنر و ... سهم مردان بسیار بیشتر از زنان است، به طوری که نزدیک به ۱۰۰٪ شاغلان در بخش استخراج از معدن، مرد هستند. فقط در فعالیت‌های مربوط به سلامت و مددکاری اجتماعی سهم زنان کمی بیشتر از مردان است و در مشاغلی مانند کشاورزی، آموزش و ... سهم زنان به مردان نزدیک است. این تفاوت در توزیع را می‌توان با نظریه سرمایه انسانی و همچنین، نظریه رادیکال توضیح داد. بر اساس نظریه رادیکال، زنان فقط به بخشی از فعالیت‌ها علاقه نشان می‌دهند که بر اساس آداب و رسوم شامل وظایف خانه که به عهده زنان قرار داده شده است، هم‌خوانی داشته باشد. بر اساس نظریه سرمایه انسانی نیز زنان بیشتر به مشاغلی روی می‌آورند که با ویژگی‌ها و الگوهای رفتاری آنها انطباق بیشتری داشته باشد. در نتیجه، زنان در بخش‌هایی مانند استخراج از معدن، املاک و ادارات دولتی، سهم بسیار کمتری نسبت به مردان دارند.

جدول ۲. شاغلان بالای ۱۵ سال در شاخه فعالیت‌های اقتصادی طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۹ در ترکیه

جنسیت	سال	کشاورزی، جنگل‌داری و ماهی‌گیری	استخراج از معدن	صنایع	برق، گاز، آب، بخار آب و شبکه‌های مخابراتی	ساخت و ساز	عده‌های فروشی و خرده‌فروشی	حمل و نقل	خدمات غذایی	ارتباطات و اطلاعات	فعالیت‌های مالی و بیمه
زنان	۲۰۰۹	۲۴۴۵	۲	۸۴۶	۹	۴۰	۶۰۲	۶۲	۱۶۱	۴۲	۱۱۸
	۲۰۱۰	۲۷۲۴	۴	۹۵۰	۱۲	۵۶	۶۲۹	۵۹	۱۶۷	۵۱	۱۱۶
مردان	۲۰۰۹	۲۷۹۵	۹۵	۳۰۲۴	۱۰۴	۱۲۶۶	۲۷۷۹	۹۲۴	۸۸۹	۱۱۴	۱۵۶
	۲۰۱۰	۲۹۵۹	۱۱۰	۳۲۶۵	۱۵۳	۱۳۷۶	۲۶۹۷	۹۴۹	۹۱۷	۱۵۳	۱۵۸

(Women in Statistics, 2010 :62)

ادامه جدول ۲. شاغلان بالای ۱۵ سال در شاخه فعالیت‌های اقتصادی طی سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۹ در ترکیه

جنسیت	سال	املاک	متخصصان در فعالیت‌های علمی و تکنیکی	پشتیبانی و حمایت از فعالیت‌های خدماتی	ادارات دولتی	آموزش	فعالیت‌های مربوط به سلامت انسان و مددکاری اجتماعی	صنعت هنر و سرگرمی	سایر فعالیت‌ها و خدمات
زنان	۲۰۰۹	۱۰	۱۲۶	۱۳۰	۱۷۶	۴۵۱	۳۲۸	۲۰	۳۰۴
	۲۰۱۰	۱۴	۱۳۶	۱۷۵	۱۹۲	۴۷۸	۳۳۱	۱۸	۳۱۴
مردان	۲۰۰۹	۵۳	۲۷۳	۴۷۰	۱۰۳۱	۵۱۶	۲۶۳	۱۱۰	۵۴۶
	۲۰۱۰	۴۷	۲۹۲	۵۹۱	۱۱۰۰	۵۴۱	۲۵۹	۸۴	۵۱۸

(Women in Statistics, 2010:63)

۶. وضعیت بیکاری زنان در ترکیه از ابعاد گوناگون

به دلیل وجود موانع اجتماعی همچون بی‌سوادی، پایین بودن سطح سواد، تبعیض جنسیتی، نبود قوانین مربوط به اشتغال زنان، موانع اقتصادی مانند رکود و رونق اقتصادی، اعتقاد به غیر اقتصادی بودن نقش زنان، کم‌تنوعی فرصت‌های شغلی و بالا بودن هزینه نیروی کار زنان برای کارفرمایان و همچنین، محدودیت‌های فرهنگی و سنتی، سهم مشارکت زنان در اشتغال و بازار کار در ترکیه به مراتب پایین‌تر از مردان است. جدول‌های ذیل به بررسی بیکاری زنان ترکیه در ابعاد گوناگون می‌پردازد.

جدول ۳. میزان افراد بیکار بر اساس جنسیت بالای ۱۵ سال طی سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۱۰ در کل ترکیه به تفکیک مناطق شهری و روستایی

سال	میزان بیکاری						میزان بیکاری غیر از کشاورزی					
	زنان			مردان			زنان			مردان		
	کل	شهری	روستایی	کل	شهری	روستایی	کل	شهری	روستایی	کل	شهری	روستایی
۲۰۰۴	۱۱/۰	۱۷/۹	۳/۰	۱۰/۸	۱۲/۵	۶/۸	۱۹/۶	۱۹/۶	۱۹/۹	۱۲/۹	۱۲/۸	۱۳/۸

۲۰۰۰	۱۱/۲	۱۷/۰	۳/۶	۱۰/۵	۱۱/۶	۷/۷	۱۸/۷	۱۸/۵	۱۹/۹	۱۲/۲	۱۱/۹	۱۳/۹
۲۰۰۲	۱۱/۱	۱۶/۶	۳/۹	۹/۹	۱۱/۰	۷/۴	۱۷/۹	۱۷/۷	۱۹/۵	۱۱/۳	۱۱/۱	۱۲/۳
۲۰۰۷	۱۱/۰	۱۶/۱	۳/۸	۱۰/۰	۱۰/۸	۸/۳	۱۷/۳	۱۷/۱	۱۹/۰	۱۱/۴	۱۰/۹	۱۳/۵
۲۰۰۸	۱۱/۶	۱۶/۶	۴/۳	۱۰/۷	۱۱/۶	۸/۷	۱۸/۱	۱۷/۸	۲۰/۹	۱۲/۳	۱۱/۸	۱۴/۵
۲۰۰۹	۱۴/۳	۲۰/۴	۵/۳	۱۳/۹	۱۵/۳	۱۰/۷	۲۱/۹	۲۱/۵	۲۴/۶	۱۶/۰	۱۵/۶	۱۸/۰
۲۰۱۰	۱۳/۰	۱۸/۷	۴/۶	۱۱/۴	۱۲/۶	۸/۷	۲۰/۲	۱۹/۹	۲۲/۲	۱۳/۲	۱۲/۹	۱۴/۷

(Women in Statistics, 2010: 50-52)

این جدول نشان می‌دهد میزان بیکاری در مجموع، در میان زنان ترکیه بیشتر از مردان است و در کل، میزان بیکاری مردان ترک در سال‌های مختلف بین ۱۰ تا ۱۴ درصد و در مورد زنان بین ۱۱ تا ۱۵ درصد است. اگر اشتغال در بخش کشاورزی در نظر گرفته نشود، میزان بیکاری زنان بین ۱۷ تا ۲۰ درصد و مردان بین ۱۱ تا ۱۶ درصد متغیر است. در حالی که در جوامع شهری میزان بیکاری در میان زنان بیشتر از مردان است، در جوامع روستایی این نسبت کاملاً تغییر یافته و میزان بیکاری مردان بیش از زنان است. میزان بیکاری غیر کشاورزی گویای همان روند کلی مبنی بر بالاتر بودن میزان بیکاری زنان روستایی است. این مسئله نشان‌دهنده آن است که زنان روستایی بیش از مردان به کار کشاورزی اشتغال دارند. تفاوت فاحش میان جامعه شهری و روستایی گویای این مطلب است که در جامعه روستایی بسیاری از نقش‌های سنتی از سوی جامعه به زنان تحمیل شده و جزئی از وظایف اصلی زنان روستایی به حساب می‌آید. این خود می‌تواند گویای نظریه غیر کلاسیک و تأکید آن بر دیدگاه مردسالارانه جامعه باشد. اگرچه انواع کارهایی که زنان در ترکیه به آن اشتغال دارند، تا حدودی دچار تغییر و دگرگونی شده است، اکثریت زنان شاغل در ترکیه به کشاورزی مشغول‌اند.

مشارکت زنان ترکیه در تولیدات کشاورزی به اندازه زمین و نظام کشاورزی بستگی دارد. در زمین‌های بزرگ و قابل کشت، زنان بیشتر به عنوان کارگر مشغول به کارند و افراد خانواده درآمد خود را از راه کار کردن در مزارع دیگران به دست می‌آورند؛ ولی، در

زمین‌هایی به اندازه‌های کوچکتر، زنان در تمام موارد کشاورزی مسئولیتی را برعهده‌دارند. طبق مطالعه‌ای که در ازمیر انجام گرفته است، نقش زنان در زمین‌های کشاورزی که به طور سنتی گندم و جو می‌کارند، به نظام کشاورزی بستگی دارد. نقش زنان در زمین‌هایی که کارمزد دریافت می‌شود، بالاتر رفته است. در مزارع پنبه جنوب ترکیه و مزارع کشاورزی شرق ترکیه که کشاورزی به صورت دیمی است، زنان ۴۵ روز در سال را در مزارع به کار مشغول‌اند و همچنین، اغلب به کارهای دامداری نیز می‌پردازند؛ بدین ترتیب که زنان مسئولیت نگهداری از دام و تهیه محصولات لبنی را برعهده‌دارند و مردان مسئول حفظ سلامتی و بهداشت دام و فروش آن هستند (رضایی سیاوشانی، ۱۳۷۷: ۱۲۲). مسئله دیگری که در این جدول به چشم می‌خورد، این است که میزان بیکاری در زنان و مردان جامعه شهری و روستایی در سال ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ افزایش داشته، اما در سال ۲۰۱۰ دوباره رو به کاهش گذاشته است.

جدول ۴. دلایل عدم اشتغال زنان به عنوان نیروی کار طی سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۱۰ (در هر هزار نفر)

سال	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰
مجموع	۱۹۱۶۵	۱۹۴۶۴	۱۹۵۲۶	۱۹۴۶۷	۱۹۳۵۷
جمعیت غیر نیروی کار	۱۰۱۹	۹۳۵	۱۰۱۹	۱۱۶۴	۱۱۳۵
عدم جستجو برای یافتن کار	۲۵۹	۲۰۷	۲۴۳	۶۷	۴۹
کارگران فصلی	۱۲۴۰۹	۱۲۱۲۴	۱۲۱۸۶	۱۲۱۰۱	۱۱۹۱۴
خانه‌دار	۱۵۵۳	۱۵۹۸	۱۶۷۰	۱۸۳۲	۱۹۱۲
محصل و تحت آموزش	۶۵۱	۶۹۵	۶۸۲	۷۶۳	۷۳۰
معلول، سالخورده، بیمار	۲۰۹۶	۲۰۲۹	۲۱۴۴	۲۱۴۳	۲۱۵۶
سایر	۱۱۷۸	۱۸۷۶	۱۵۸۲	۱۳۹۷	۱۴۶۱

(Turkey's Statistical Yearbook, 2010:180)

جدول شماره ۴ نشان‌دهنده وضعیت زنان بیکار ترکیه است. این جدول نشان می‌دهد از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ هر سال به تعداد زنان خانه‌دار بیکار افزوده شده است. این مسئله تمایل بیشتر زنان متأهل ترکیه را به رسیدگی به امور منزل نشان می‌دهد. زنان متأهل خانه‌دار را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: زنانی که مادر بودن و خانه‌داری را شغلی تمام‌عیار به‌شمار آورده و از آن رضایت دارند و یا زنانی که پس از سرخوردگی در بازار کار، خانه را مأمون و گریزگاه خود قرار داده‌اند. این جدول گویای آن است که کارگران فصلی

بهاره نصیری و دیگران ۱۳۱

بخش عمده بیکاران زن در ترکیه به حساب می آیند که نشان دهنده حضور زنان در فعالیت‌هایی مانند کشاورزی است.

جدول ۵. وضعیت تحصیل زنان غیر شاغل طی سال‌های ۲۰۰۶ - ۲۰۱۰ (در هر هزار نفر)

وضعیت تحصیلی	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰
مجموع کل زنان غیر شاغل	۶۵۷	۶۶۱	۷۳۴	۹۷۹	۹۵۸
بی سواد	۱۲	۱۲	۱۷	۲۱	۲۰
باسواد بدون رفتن به مدرسه	۱۷	۱۶	۲۵	۴۲	۳۴
تحصیلات ابتدایی	۱۶۰	۱۳۱	۱۵۵	۲۱۰	۲۰۹
تحصیلات راهنمایی	۲۸	۴۱	۵۳	۸۶	۹۶
تحصیلات دبیرستان یا معادل دبیرستان	۵۴	۴۳	۴۵	۵۵	۵۴
دیپلم	۱۴۹	۱۵۵	۱۴۵	۱۸۸	۱۷۸
تحصیلات فنی و حرفه‌ای	۱۰۱	۱۰۵	۱۱۱	۱۴۵	۱۲۷
آموزش عالی	۱۳۶	۱۵۸	۱۸۳	۲۳۲	۲۴۰

(Turkey's Statistical Yearbook, 2010: 194)

جدول شماره ۵ وضعیت تحصیلی زنان غیر شاغل را نشان می‌دهد. بر طبق این جدول، رابطه مستقیمی میان سطح سواد و اشتغال دیده می‌شود؛ به نحوی که طی سال‌های مورد بررسی میزان اشتغال در میان افراد بی‌سواد یا دارای سواد خارج از مدرسه در حال کاهش است. البته، درصد افراد دارای تحصیلات عالی نیز در میان زنان بیکار رو به افزایش بوده و تقریباً ۲۵ درصد از کل بیکاران را تشکیل می‌دهند. علت این مقوله را می‌توان از یک سو افزایش تعداد زنان تحصیل کرده در مقاطع تحصیلی دانشگاهی و نبود فرصت‌های شغلی کافی و مناسب برای این گروه در جامعه عنوان کرد و از سوی دیگر، ناشی از افزایش سطح توقع شغلی این گروه از زنان دانست.

۷. زنان و فقر

تشریح محتوای فقر و ترسیم مرزهای آن بسیار دشوار است. فقر حالت‌ها و تعاریف گوناگون دارد. می‌توان فقر را فقدان دسترسی به منابع تولید برای به دست آوردن، درآمد و کسب یک زندگی پایدار و وسیله امرار معاش، گرسنگی و کمبود خوراک، فقدان امکانات بهداشتی، کمبود دسترسی به آموزش و دیگر خدمات پایه‌ای در افزایش مرگ‌ومیر،

بی‌خانمانی و شرایط نامناسب استقرار در خانه و شرایط ناامن محیط زندگی، بزهکاری، خشونت، جرم و جدانگه‌داشته‌شدن از فرایند تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دانست (Document Women and Poverty, 2008:5).

نداشتن درآمد و منابع تولید برای تأمین معیشت از علایم فقر است. در سال‌های اخیر به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه، شمار زنانی که در فقر به‌سرمی‌برند، بیش از مردان گزارش شده است. کشورهای فقیر دارای کمترین سطح توسعه و پایین‌ترین سطح درآمد ملی هستند. در بسیاری از کشورها، نظام‌های رفاه اجتماعی شرایط ویژه زنان فقیر را چنان‌که باید در نظر نمی‌گیرند و خطر گرفتار شدن زنان به‌ویژه در دوران کهولت را تسریع می‌کنند.

فقر مسئله‌ای اساسی است که وجود دارد و باید آن را پدیده‌ای دانست که در ارتباط نزدیک با زنان است. بیانیه کنفرانس چهارم زنان که در سال ۱۹۹۰ تشکیل شد، به فقر زنانه اشاره کرده است. در سال‌های اخیر، تعداد زنانی که در فقر زندگی می‌کنند، به‌ویژه آنهایی که در کشورهای توسعه‌یافته‌اند، افزایش پیدا کرده است و این افزایش زمانی بارزتر می‌شود که آن را با تعداد مردان فقیر مقایسه کنیم. فقر زنان در کشورهایی که اقتصادشان در مرحله گذار است، جدی‌تر است و باید آن را تغییری سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در نظر گرفت. به متغیرهایی همچون محدود بودن نقش‌های جنسیتی، محدود بودن دسترسی زنان به قدرت و فرایندهای تصمیم‌گیری، آموزش، تحصیلات و منابع تولید باید به اندازه عوامل تهدیدکننده امنیت خانواده اهمیت داد. اگرچه برابری جنسیتی در درون تمامی برنامه‌ها، نقشه‌ها، تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی به گونه‌ای دقیق منعکس نشده است و به اندازه کافی به بحث و بررسی دلایل ساختاری برای فقر پرداخته نشده است، آنها فاکتورهایی در ارتباط با این مسئله هستند.

به دنبال فقر، افزایش میزان مرگ‌ومیر، بی‌خانمانی و شرایط نامساعد مسکن، شرایط ناامن محیط زیست، تبعیض و محرومیت اجتماعی و همچنین حضور نداشتن در فرایند تصمیم‌گیری در زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه نیز مشاهده می‌شود. فقر توده‌ای از مردم، می‌تواند در بسیاری از کشورهای درحال توسعه و نیز در محله‌های فقیر در کشورهای توسعه‌یافته هم وجود داشته باشد. اگرچه فقر مشکلی اساسی برای تمام بشریت است، پدیده‌ای است که عمدتاً در زنان تحت عنوان «فقر زنانه» رخ می‌دهد. در سال‌های اخیر، تعداد زیادی از زنان در فقر زندگی می‌کنند و این موضوع، به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه، در حال افزایش است، به‌خصوص زمانی که شرایط زنان با مردان مقایسه

می‌گردد. شناسایی فقر زنان بسیار مهم است که در کشورهای دارای اقتصادی موقت در مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، بیشتر به چشم می‌خورد. علاوه بر عوامل اقتصادی، تعصب در وظایف جنسیتی و دسترسی محدود زنان در مکانیسم قدرت و تصمیم‌گیری، تحصیلی، منابع آموزش و تولید و همچنین، سایر عواملی که ممکن است امنیت زنان را تهدید کنند، می‌توانند دلایلی برای این وضعیت محسوب شوند. علاوه بر این، دیدگاه برابری جنسیتی در تمام تجزیه و تحلیل‌های اقتصادی و برنامه‌ها به اندازه کافی منعکس نمی‌گردد. دلایل ساختاری فقر عواملی هستند که به اندازه کافی فقر زنانه را نشان نمی‌دهند.

۸. زنان و فقر در ترکیه

ترکیه به گونه رسمی مبارزه با فقر را در نیمه‌های دهه ۱۹۹۰ آغاز کرده است. هدف استراتژیک ترکیه در هفتمین و هشتمین برنامه پنج‌ساله، کاهش نابرابری‌های اجتماعی در تقسیم درآمد و کاهش فقر مطلق بود. مطابق بیانیه MDGS، تلاش‌های ترکیه در راستای مبارزه با فقر گسترش یافته است. نقشه‌ها و برنامه‌هایی که سازمان‌های برنامه‌ریز دولتی آماده کرده‌اند، مهم‌ترین سیاست‌هایی هستند که ارائه‌کننده اهداف، اولویت‌ها و استراتژی‌هایی برای کاهش فقر به‌ویژه در مورد زنان است. اسناد اصلی که شامل سیاست‌های توسعه‌یافته با هدف بهبود شرایط زندگی فقرا هستند، در ذیل ذکر شده‌اند. در این سند، سیاست‌هایی جهت بهبود تقسیم درآمد و تلاش برای بهبود وضعیت فقر به‌ویژه برای زنان تحت عنوان «افزایش رفاه اجتماعی» بیان شده است. کاهش فقر با افزایش تقسیم ثروت، رساندن فقرای جامعه به حد متوسط اجتماعی در راستای رشد ثابت، سازماندهی مجدد انتقال درآمد به نفع فقرا، مشارکت توده‌های روستایی در پروژه‌های راهنمایی شغلی، برنامه‌های تولیدی کاری، کاهش نابرابری محلی، افزایش اشتغال، کنش بین بخش نیروی کار، سرمایه‌گذاری خدمات اجتماعی همه و همه تقدم‌های سیاسی در هشتمین برنامه پنج‌ساله در ترکیه بوده است (Policy Document women and poverty, 2008:13). این فعالیت با هدف فراهم کردن خوراک، پوشاک، آموزش و بهداشت و کمک به زنان و کودکان صورت گرفته است. در برنامه‌های میان‌مدت که با عنوان مبارزه با فقر در میان زنان شکل گرفته است و با هدف افزایش کیفیت زندگی آنان و کمک به زنان و کودکانی که در معرض ریسک فقر و محرومیت‌های اجتماعی در زندگی شخصی و اجتماعی قرار دارند، اشاره شده است. این موضوع به بهبود خدمات اجتماعی زنان در حوزه‌هایی مانند آموزش، بهداشت و... منجر

می‌شود، آن هم به روشی که همه بتوانند به آن دسترسی پیدا کنند و از آن بهره‌مند شوند. این برنامه‌ها به‌ویژه بر اسکان‌دادن و متمرکزکردن زنان مهاجر در مناطق شهری و خدمات‌دهی به‌ویژه به زنان محروم، از راه گسترش و توسعه شبکه‌های حمایتی و حفاظتی به گونه‌ای که تحت پوشش قرار گیرند. تضمین مشارکت فعال و مؤثر زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، یکی از رویکردهای اصلی برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولت است.

جدول ۶: میزان افراد فقیر بر طبق خط فقر ماهانه (۲۰۰۵-۲۰۰۹)

	میزان فقر به صورت انفرادی											
	کل ترکیه				شهری				روستایی			
	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴
فقر تغذیه	۵۳/۱	۶۲/۱	۶۲/۱	۸۶/۰	۳۷/۰	۴۱/۰	۳۳/۰	۳۰/۰	۱۰/۱	۵/۱	۳۳/۱	۱۶/۱
فقر تغذیه ای و غیرتغذیه ای	۶۶/۲	۲۱/۷	۰۶/۵	۰۵/۱	۵۶/۱	۰۳/۱	۸۵/۱	۳۷/۱	۷۳/۳	۳۱/۸	۸۶/۵	۷۶/۳
درآمدزیریک دلار در روز	۰/۰	۱۰/۰	۲۰/۰	۱۰/۰	۳۰/۰	۱۰/۰	۱۰/۰	۰۰/۰	۶۳/۰	۱۰/۰	۲۰/۰	۰۰/۰
پایین تراز ۲/۱۵ دلار در روز	۳۰/۳	۶۳/۳	۶۳/۳	۵۵/۱	۸۳/۳	۳۵/۱	۳۸/۱	۸۶/۰	۶۰/۳	۱۸/۳	۱۵/۳	۳۳/۳

از ۴/۳ دلار در	۲۰/۳۰	۵۸/۵	۶۷/۲	۶۳/۶۱	۳۳/۸۱	۲۴/۳۱	۱۳/۷۱	۱۵/۸۱	۵۰/۰۱	۴۱/۶	۲۷/۸	۷۲/۱۸	۳۲/۸	۲۶/۵۱	۲۵/۳۵
فقر درآمد	۴/۸۳۱	۱۵/۵۱	۷۱/۶۱	۶۱/۶۱	۰۵/۶۱	۳۳/۱۱	۶۱/۱۱	۳۳/۷	۶۷/۵	۸۵/۶	۶۷/۶۱	۷۰/۲۱	۷۳/۸۱	۲۶/۳۵	۶۰/۷۱

(Policy Document Women and Poverty, 2008:10)

جدول بالا حاکی از آن است که فقر تغذیه‌ای در ترکیه طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ چه در نواحی شهری و چه در روستاها کاهش یافته‌است. در کل، فقر تغذیه‌ای مشکل عمده‌ای در جامعه ترکیه محسوب نمی‌شود، زیرا در بدترین حالت در سال ۲۰۰۷، فقط ۲ درصد زنان روستایی به لحاظ تغذیه فقیر محسوب می‌شده‌اند. اما، در زمینه فقر تغذیه‌ای و غیر تغذیه‌ای تفاوت چشمگیری میان شهرها و روستاها دیده می‌شود. هرچند سیاست‌های فقرزدایی در شهرها توانسته است میزان فقر تغذیه‌ای را به زیر ۱۰٪ در سال ۲۰۰۹ کاهش دهد، هنوز بیش از ۳۰٪ زنان روستایی در این سال با مشکل فقر مواجه بوده‌اند. فقر درآمدی با درآمد زیر یک دلار و ۲۰۱۵ دلار در روز نیز در ترکیه تقریباً نزدیک به صفر است. اما، میزان افراد فقیر با درآمد زیر ۴۰۳ دلار در روز تغییراتی مشابه میزان فقر تغذیه‌ای و غیر تغذیه‌ای را نشان می‌دهد. درحالی‌که سیاست‌های فقرزدایی موفق به کاهش این میزان تا سطح ۶ دلار در سال ۲۰۰۹ در نواحی شهری شده است، در روستاها بیش از یک‌چهارم جمعیت زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

در کل، جدول بالا حاکی از آن است که سیاست‌های فقرزدایی در نواحی شهری بسیار موفق‌تر از نواحی روستایی عمل کرده است و در روستاها فقر زنان همچنان مشکلی جدی به حساب می‌آید.

۹. نتیجه‌گیری

مطالعات جهانی مربوط به نقش زنان در توسعه اقتصادی بیانگر آن است که زنان به شکل بی‌سابقه‌ای در حال ورود به بازار جهانی کار هستند؛ به طوری که یکی از ابعاد توسعه یا به عبارتی زیربنای توسعه، مشارکت اقتصادی زنان در جامعه شناخته شده است. اشتغال زنان از

نظر اجتماعی نقش بارزی در ارتقای هویت آنان در عصر حاضر داشته است و یک نیروی اجتماعی و تأثیرگذار بر فرایند توسعه اجتماعی بیان شده است. ویژگی مولد اقتصادی بودن زن از رموز موفقیت اجتماعی این جنس محسوب می‌گردد که هم نقش مؤثری در امور اقتصادی خانواده و جامعه و هم نقش بارزی در تولید ناخالص ملی داشته است. تفاوت میان جنسیت مردان و زنان باعث شده است که وظایف اجتماعی این دو جنس از نظر اشتغال، از یکدیگر متمایز باشد. این تمایز ناشی از علت‌های متفاوتی است. بر اساس مطالعه و پژوهش صورت گرفته پیرامون وضعیت اقتصادی و اشتغال زنان در ترکیه، می‌توان موانع و علت‌های ذیل را برای حضور زنان در بازار کار دسته‌بندی کرد:

۱. موانع فیزیولوژیکی و شخصیتی

زنان به دلیل وضعیت فیزیولوژیکی و زیستی، نسبت به مردان موقعیت متفاوتی دارند. این تفاوت باعث شده که در امور اشتغال، کارهایی که به توانایی بیشتری نیازمند است، به مردان سپرده شود. این برداشت و نگرش در جامعه سنتی ترکیه نیز وجود دارد که زنان «موجوداتی ضعیف‌ترند» و مردان باید بر آنان تسلط یابند. با توجه به نظریه سرمایه اجتماعی، تفاوت‌های فیزیولوژیکی و زیستی میان مردان و زنان سرمایه اجتماعی متفاوتی را برای هر یک از این دو جنس فراهم کرده است. در نتیجه، این تفاوت به تفاوت در اشتغال این دو گروه منجر شده است؛ مثلاً، مشاغلی که نیازمند توانایی جسمی بالاتری است، عموماً به مردان اختصاص یافته است که به محدودیتی در زمینه اشتغال زنان منجر شده است. درصد بیشتر مردان در مشاغل معدن و ... گویای این مطلب است.

۲. موانع فرهنگی و اجتماعی

بر اساس تفاوت‌های فیزیولوژیکی، موانع فرهنگی هم در قالب حقوق و وظایف شکل می‌گیرد و این ایده وجود دارد که مردان از زنان، چه در زمینه‌های جسمی و چه در زمینه استعدادها، روحیات، تفکرات توانمندتر هستند. در خانواده‌ها زن به مثابه موجودی است که فقط وظایف خاص مادری برای او در نظر گرفته شده است. بر این اساس، در کل نظام اجتماعی هم بر اساس تفکیک وظایف و تخصصی شدن، نقش زن در حفظ نظام خانوادگی و مبنای اجتماعی کردن فرزندان از اهمیت بسیاری برخوردار است.

با توجه به نظریه غیر کلاسیک، موقعیت پایین زنان در نظام اجتماعی و فرهنگی روستاهای ترکیه، سلطه مردان و تبعیت زنان را به دنبال داشته است. از این رو، در این جوامع به خصوص در زمینه مشاغل کشاورزی، بیشترین حجم فعالیت‌های اقتصادی بر عهده زنان نهاده شده است. به رغم اینکه سطح آموزش و گسترش تحصیلات دختران برای راهیابی به مقاطع بالای آموزشی و تحصیلات عالی این مانع فرهنگی را در زمینه اشتغال زنان برطرف کرده است، این امر به افزایش میزان مشارکت آنها در فعالیت‌های اقتصادی منجر نشده است، به نحوی که در نواحی شهری میزان اشتغال زنان به میزان قابل توجهی کمتر از مردان بوده و میزان بیکاری زنان دارای تحصیلات عالی به افزایش گذاشته است.

۳. موانع اقتصادی

از جمله موانع اقتصادی، اختلاف دستمزدهاست که به میزان فعالیت اشتغالی که زنان همپای مردان در جامعه دارند، تبعیض بسیاری در پرداخت دستمزدها وجود دارد. تمایل کارفرمایان به جذب نیروی کار مذکر که در نظریه تکنیک بازار کار نیز به آن اشاره شد، قابل ذکر است. در مورد زنان ترک نیز کمتر بودن میزان اشتغال زنان متأهل می‌تواند ناشی از این مشکل باشد. البته، ممکن است تمایل خود زنان متأهل به انجام امور خانه نیز در این زمینه مؤثر واقع شده باشد. از دیگر موانع اقتصادی، نوع مشاغل است؛ بیشتر زنان دارای مشاغل زنانه هستند. این مشاغل به دلیل هجوم زنان و افزایش تعداد کارگران نسبت به سایر مشاغل، سطح دستمزد پایین تری دارند و حتی به دلایل خاصی چون بحران اقتصادی، معمولاً کار را می‌توان تعطیل کرد و زنان را از کار اخراج کرد، به طوری که آینده شغلی و استخدامشان ناپایدار است.

یکی دیگر از مهم‌ترین موانع اقتصادی در ترکیه مسئله فقر زنان است. فقر شاخصی چندبُعدی است که با پدیده‌هایی چون آموزش، بهداشت، اقتصاد، درآمد و فرایندهای تصمیم‌گیری در ارتباط است. این موضوع در بسیاری از اسناد راهبردی و سیاست‌های گذشته و حال در کشور ترکیه مد نظر قرار گرفته است؛ به طوری که در این چارچوب، تأکید می‌شود که گروه‌های محروم و زنان در دسترسی به خدماتی مانند آموزش و پرورش، بهداشت، مسکن، خدمات اجتماعی و اشتغال حق تقدم خواهند داشت و با خدمات فراهم شده برای آنان، زمینه نابودی فقر زنانه و توانمند ساختن زنان برای تبدیل شدن به نیروی مولد اقتصادی ایجاد خواهد شد (Policy Document women and poverty, 2008:6).

۱۰. پی‌نوشت

۱. جمهوری ترکیه کشوری مسلمان در همسایگی ایران است. از آنجا که آمار و اطلاعات معتبر در زمینه وضعیت زنان در ترکیه و سایر کشورهای هم‌جوار ایران به‌رغم اهمیت موضوع در دسترس نیست، لذا در این پژوهش وضعیت زنان ترکیه از منظر «سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. شایان ذکر است انجام پژوهش با همین موضوع در رابطه با سایر کشورهای هم‌جوار با ایران نیز توسط سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در دست بررسی است.
۲. هدف مقاله حاضر، بررسی وضعیت اقتصادی زنان در کشور ترکیه، بدون انجام مطالعه تطبیقی و مقایسه با دیگر کشورها و با استفاده از آمار معتبر موجود در کشور ترکیه بوده است. از آنجا که تهیه آمار مربوط به اشتغال و فقر به روش‌های متفاوتی انجام می‌پذیرد که مقایسه آنها را با یکدیگر غیرعلمی و ناصحیح می‌سازد، مقایسه آمار تهیه شده از کشور ترکیه با آمار سایر کشورها انجام‌پذیر نیست. لذا، پژوهشگران در صورت تمایل به انجام چنین مقایسه‌ای، بهتر است از آمار یک سازمان بین‌المللی مانند «برنامه توسعه سازمان ملل» استفاده کنند که البته آمار این سازمان‌ها به راحتی قابل دسترس است.

منابع

- ابوت، پاملا و کلر والاس (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نی.
- امینی، علیرضا (۱۳۸۳). «تحولات بازار کار در برنامه چهارم توسعه با تأکید بر اشتغال زنان، جوانان، فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و مناطق شهری و روستایی»، *سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی*، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی دفتر اقتصاد کلان.
- رضایی سیاوشانی، صدیقه (۱۳۷۷). *سیمیای زن در جهان (سوریه، [برای] مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری)*، تهران: برگ زیتون.
- شیبانی، ابراهیم؛ و زهرا افشاری (۱۳۸۰). «اثر رشدبخشی بر اشتغال زنان در ایران با استفاده از جدول داده - ستانده»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، ش ۵۹.
- علویون، سید محمدرضا (۱۳۸۱). *کار زنان در حقوق ایران و حقوق بین‌المللی کار*، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- کوشک‌آباد، مهین (۱۳۸۸). «زنان و اشتغال»، <http://www.modiryar.com>
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.

Baumol, William J (1965). *Economic Theory and Operations Research*, 2d rev. ed. Englewood Cliffs, N.J. Prentice-Hall, Inc.

بهاره نصیری و دیگران ۱۳۹

- Blanchard, O (1998). *Employment Protection and Unemployment*, Mimeo, MIT.
- Blau, F.D. (1998). "Trends in the Well-being of American Women", 1970-1995, *Journal of Economic Literature*. No.36.
- Cowan, A (1983). *More Work for Mother*, New York, Basic Books.
- Hartman, H (1981). *The Family as the Locus of Gender, Class & political Struggle: the Example of Housework*, Sings 6.
- National Action plan Gender EQUALITY /The Republic of Turkey prime Ministry General Directorate on the Status of Somen* (September 2008). Ankara.
- The Republic of Turkey Prime Ministry General Directorate on the Status of Women/Policy Document Women and Poverty* (September 2008) Ankara.
- Women in Statistics* (2010 & 2011). Turkish Statistical Institute, Printing Division: Ankara.

